

## اسلام و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

### آیت‌الله محمد علی تسخیری\*

#### چکیده:

تعاون و همکاری از ویژگی‌های برجسته جامعه اسلامی است، اما این ویژگی در مفهوم منطقه‌ای و بین‌المللی خود نیازمند بررسی بیشتری است. نگارنده در این نوشتار تحقق چنین همکاری بین‌المللی را منوط به وجود شرایطی می‌داند که از جمله آنها برخورداری از توانایی کافی، وجود فضای اعتماد متقابل و وجود عرصه‌ها و اهداف مشترک می‌باشد. انگیزه‌های دینی و معنوی و مصلحت همگان از خاستگاه این همکاری است و رواج روحیه مادی‌گرایی و جهانی‌سازی که نمود کامل مرحله پیشرفته سرمایه‌داری است از موانع همکاری و هم‌پاری آن به شمار می‌رود. در پایان، برخی از ابعاد مختلف همکاری و تعاون در اسلام بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: تعاون و هم‌پاری، همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، انگیزه‌های دینی و معنوی، روحیه مادی‌گرایی، جهانی‌سازی.

#### مقدمه

سخن از تعاون و هم‌پاری در اسلام، به دلیل دعوت روشن اسلام به آن و وجود متون اسلامی فراوانی که بر آن تأکید کرده‌اند، چندان ضروری به نظر نمی‌رسد ولی همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی و نقش اسلام در این مورد، نکته‌ای است که سزاوار تأمل و بحث و بررسی است. برای این‌که تعاون و هم‌پاری، به شکل مفید و سازنده‌ای تحقق پیدا کند باید برخی شرایط عینی در آن فراهم آید و انگیزه‌های انسانی متنوعی را در برگیرد. هم‌چنین باید موانعی که بر سر راه آن قرار دارد از میان برداشته شود، عرصه‌هایی که تعاون در آنها مؤثر است شناسایی گردد و برنامه‌ریزی‌های دقیق و خردمندانه‌ای برای تحقق هرچه گسترده‌تر آن، صورت پذیرد.

\* دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

## شرایط ضروری:

شرایط عینی مورد نظر از این قرار است:

- ۱- برخورداری از توانایی‌های کافی؛ زیرا به عنوان مثال، همکاری ناتوان با توانا و یا نیازمند با ثروت‌مند در راه اندازی یک پروژه معین مالی، معنایی ندارد. از این رو امتی که خواهان مشارکت در روند تمدن بشری است باید خود دارای امکانات و توانایی‌های معینی باشد.
- ۲- وجود فضای اعتماد متقابل؛ زیرا همکاری و هم‌یاری، برخاسته از انگیزه‌های انسانی و برپایه پیوندهای عاطفی به منظور تحقق هدفی مشترک است که به طور قطع در جو شک و تردید و دروغ و ریا و نیرنگ، فراهم شدنی نیست.
- ۳- وجود عرصه‌ها و اهداف مشترک؛ زیرا بدون این جنبه، هیچ نوع همکاری و تعاونی قابل تصور نیست.

## ارزش‌های هماهنگ:

- منظور، آن دسته ارزش‌هایی است که باید برای حرکت هر جامعه کوچک یا بزرگ به سوی همکاری و همیاری مشترک، عمومیت پیدا کند. در این مورد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- ۱- ضرورت گفت‌وگو با دیگران و شناخت و انتقال اندیشه‌های آنان؛ خداوند متعال توان و نیروهایی در انسان به ودیعه نهاده که می‌تواند با تأمل و اندیشه و آفرینش اندیشه‌های نو و کشف راه‌های دگرگونی و رهایی از واقعیت‌های ملموس و تنگ، و کوشش برای تعمیم و فرضیه‌پردازی و یاری گرفتن از نیروی خرد و خردورزی، در این مسیر قرار گیرد. هم‌چنان که انسان، دارای انگیزه‌های غریزی چندی است که او را به کنجکاوی در ندانسته‌ها و شناخت مسایل پیچیده فرامی‌خواند و در عین حال به بهبود و اعتلای نیروهای عقلی و توان‌های مادی و علمی برای چیرگی بر طبیعت منجر شده و بر قدرت‌های اخلاقی و معنوی، سمت و سو می‌دهد و در نتیجه، خداوند متعال به او امکان می‌دهد تا به عقل و خرد دیگران پل زده و از طریق نعمت سمبلیک زبان، به گفت‌وگو با آنها بپردازد. بنابراین، گفت‌وگو یک حالت انسانی طبیعی است و تأکید بر آن نیز یک خصوصیت انسانی به شمار می‌رود؛ تردیدی نیست که گفت‌وگو منجر به کشف عرصه‌های مشترک می‌شود و چنین کشفی، به همکاری و هم‌یاری در راستای تحقق آنها می‌انجامد.
  - ۲- مفهوم شوری هم ردیف با گفت‌وگو است؛ به این معنا که در این روند، دیدگاه‌های دیگران به دیدگاه شخصی می‌پیوندد و نقاط ضعف و قوت آنها روشن می‌شود.

۳- احساس نیاز به دیگران: وقتی فرد، خود و کاستی‌های درونی و محدودیت توان و دانش خود و نیاز به دیگران را شناخت به آنان روی می‌آورد و به منظور رسیدن به خودبسندگی، راه همکاری و هم‌یاری با آنان را می‌پیماید.

۴- والایی اهداف انسانی: هرچه این اهداف والاتر باشد و از سطح هدف‌های حیوانی و مبتذل فراتر رود و به مراحل عالی و متناسب با هدف‌های آفرینش انسان و مسیر تکاملی وی ارتقا یابد، احساس لزوم همکاری و هم‌یاری برای تحقق چنان هدف‌های والایی، بیشتر و عمیق‌تر می‌گردد.

۵- تحکیم جنبه‌های عاطفی: زیرا وقتی عواطف تقویت شود و نگاه به دیگران به سطح برادری به مفهوم نسبی اجتماعی، دینی، منطقه‌ای و جهانی ارتقا یابد نه تنها به همکاری و هم‌یاری می‌انجامد بلکه در موارد بسیاری به ایثار و فداکاری نیز، منجر می‌شود.

به این ترتیب تمامی ارزش‌هایی که به همکاری و هم‌یاری می‌انجامد دارای خاستگاه‌هایی فطری است و بنابراین کوشش در جهت جلا بخشیدن به فطرت انسان و تجلی آن در رفتارهای انسانی، ساده‌ترین و مطمئن‌ترین راه تحقق آن به شمار می‌رود.

### خاستگاه‌های هم‌یاری و تعاون:

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان برای هم‌یاری، خاستگاه‌های زیر را برشمرد:

الف: خاستگاه‌های دینی: که به گمان ما کلی‌ترین خاستگاه به شمار می‌رود؛ زیرا همه ادیان و به ویژه دین اسلام، آن‌چنان که روشن است و ما اشاره گذرای به آن خواهیم داشت، به همکاری و تعاون فرا می‌خوانند و نوید پاداش اخروی فراوان و انعکاس آن بر زندگی دنیایی می‌دهند؛ خود اسلام نیز، ایده عدالت اجتماعی خود را بر دو نکته، یعنی هم‌یاری و تعادل میان سطح زندگی افراد جامعه که هر دو به همکاری و تعاون می‌انجامد، استوار کرده است. و این امر به این معناست که همکاری و تعاون یا جنبه الزامی دارد و یا داوطلبانه است و در این صورت عاری از هرگونه شایبه منافع فردی است؛ از این رو انگیزه‌های دینی را کلی‌ترین انگیزه برشمردیم.

ب: خاستگاه‌های معنوی: مبتنی بر احساسات انسانی مبنی بر لزوم خدمت به بشریت و همکاری با دیگران که حتی اگر منشأ مذهبی نیز نداشته باشد، احساسات پاک و قابل ستایشی است، هرچند در این صورت به اهداف بزرگ خود نخواهد رسید.

ج: خاستگاه‌های مصلحت آمیز: به این اعتبار که اقدام به همکاری با دیگران سرانجام روزی به سود اقدام کنندگان تمام خواهد شد که البته ایرادی هم ندارد ولی باید گفت چنین انگیزه‌ای، بیان‌گر

وارستگی اخلاقی نیست و نسبت به دو خاستگاه پیش گفته، در سطح پایین تر و تنگ نظرانه تری قرار داد.

د: انگیزه‌های پست: که در برخی سازمان‌های مشکوک و نیز کشورهای استعماری که از برنامه‌های همکاری برای تحقق اهداف خود، از جمله وابسته کردن کشورهای کوچک یا زمینه‌چینی برای استثمار آنها و یا کوشش در راستای آسیب رساندن به هویت فرهنگی آنها، سوء استفاده می‌کنند، می‌توان مشاهده کرد.

واقعیت آن است که چنین همکاری و تعاونی با توجه به چارچوب و شکل انسانی آن که توده‌های مردم ناآگاه و ناآشنا به عمق توطئه‌های نهفته در چنین چارچوبی را می‌فریبد، بسیار خطرناک است. آنها هنگامی با پیامدهای تلخ چنین همکاری‌هایی آشنا می‌شوند که در غل و زنجیر استثمار گرفتار آمده و زیر فشار بدهی کمرشکن، کمر خم کرده‌اند و در آن صورت آرزو می‌کنند ای کاش بدبختی‌ها و سختی‌های زندگی را تحمل می‌کردند و هرگز چنین کمک‌هایی را نمی‌پذیرفتند.

### موانع همکاری و هم‌پاری:

با توجه به آنچه بیان شد، موانع راه نیز که مهم‌ترین آنها دو مانع زیر است روشن گردید:

۱- رواج روحیه ماده‌گرایی، دیدگاه‌های فردی و ادبیات استثمار و طمع‌ورزی و لذت پرستی هرچه بیشتر و تحقق برتری به هر وسیله و قیمت حتی به بهای لگدمال ساختن دستاوردهای دیگران و مکیدن خون ملت‌ها و چپاول و غارت نعمت‌های خدادادی آنها؛ چیزی که امروزه در مورد بسیاری از امکانات و توانایی‌های کشورهای استعماری که عظمت و شکوه کنونی خود را بر دریایی از خون ملت‌ها بنا کرده‌اند، شاهد هستیم.

امروزه، جهانی سازی نمود کامل مرحله پیشرفته سرمایه داری و روند چیرگی آمریکا بر سرنوشت ملت‌ها و آمریکایی ساختن روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و حتی اجتماعی و سرقت متمدنانه امید بشریت به نظام جهانی سرشار از آزادی و دموکراسی و حمایت از حقوق بشر و صلح و هم‌پاری و همکاری و هم‌بستگی است. در واقع، تبدیل نمودن جهان به جهانی با حاکمیت شرکت‌های چند ملیتی و سلطه حقیقی غول‌های اختاپوس گونه رسانه‌ای و ایجاد فضای زهرآگینی است که جز مفاهیم خراب‌کارانه‌ای چون جنگ‌های پیش‌گیرانه و ... در آن راهی ندارد.

۲- وجود تردید در مقاصد هر طرف که در واقع مانع اصلی در برابر هر نوع همکاری و حتی گفت‌وگوی هدف‌مند است و بدون تردید تأثیر منفی به سزایی بر گفت‌وگوی تمدن‌ها، گفت‌وگوی ادیان و گفت‌وگوی مذاهب یک دین نیز بر جا گذاشته است.

این شک و تردیدها، معمولاً تابعی از رسوبات تاریخی و تجربیات تلخ گذشته است و پاک کردن این گذشته یا به فراموشی سپردن مرحله‌ای آنها نیز به تلاش مجدانه‌ای نیاز دارد و اشاره آیه کریمه: «قُلْ لَا تُسْئَلُونَ عَمَّا أُجْرِمْنَا وَلَا تُسْئَلُونَ عَمَّا تَعْمَلُونَ؛ بگو شما از آنچه ما مرتکب شده‌ایم بازخواست نخواهید شد و ما نیز از آنچه شما انجام می‌دهید بازخواست نخواهیم شد». (سبأ/۲۵) به همین ضرورت و به منظور آغاز روند گفت‌وگو در فضایی مساعد و مناسب است.

## اسلام و تعاون:

در این مختصر، نمی‌توان به همه ابعاد همکاری و تعاون در اسلام پرداخت؛ از این رو به صورت گذرا و طی نکاتی چند تنها به برخی جنبه‌های مهم موضوع اشاره می‌کنیم:

### نکته اول: مشخص ساختن عرصه‌های همکاری:

آیه دوم سوره مائده به همین عرصه‌ها می‌پردازد: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یک‌دیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید» (مائده/۲). نیکی به مفهوم هر عرصه انسانی و اخلاقی است و شامل همه کارهای خیر و خوبی می‌شود که اسلام به آنها فراخوانده و تحقق آنها را خواستار شده است؛ این تعبیر، بیشتر گویای واگذاری تشخیص مصداق‌های آن به وجدان سلیم است؛ همان‌گونه که از دو کلمه «طبیات» و «خبائث» در آیه: «يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ؛ و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را برایشان حرام می‌گرداند». (اعراف/۱۵۷) و نیز کلمات «المعروف» و «المنکر» در آیه: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند باز می‌دارید». (آل‌عمران/۱۱۰) برداشت می‌شود. گویا این آیات قرآنی، به طور مستقیم فطرت و وجدان آدمی را مورد خطاب قرار می‌دهند و این نکته ما را با گستره انسانی جهانی روبه‌رو می‌کند و در یک عرصه تنگ و محدود، منحصر نمی‌سازد.

از یک سو، هرگامی که در جهت اعتلای بشریت و پیشرفت تمدن و ارزش‌های آن در همه عرصه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و جز آن برداشته شود، در شمار کار نیک (البر) بوده و ما موظف به همکاری در آن هستیم و از سوی دیگر، هر اقدامی که به زیان بشریت باشد و به ارزش‌های آن لطمه وارد آورد و مسیر آن‌را خدشه‌دار سازد و به دشمنی و خصومت‌ها دامن زند و حقوق انسانی را زیر پا گذارد در شمار کارهای ناپسند (منکر) است و ما از شرکت در آنها منع گشته و به ایستادگی و مقاومت در برابر آنها، فراخوانده شده‌ایم.

همین معناست که در هماهنگی کامل با رسالت جهانی اسلام و نیز هم‌سو با ارایه امت اسلام به عنوان الگویی نمونه برای همه امت‌ها و مصداق آیه زیر، می‌باشد: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا؛ و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.» (بقره/۱۴۳).

### نکته دوم: تحکیم و تقویت انگیزه‌ها

متون اسلامی همواره بر فطرت انسانی انگشت گذاشته و همه احکام دینی در هماهنگی با این فطرت، قرار دارند؛ نظام تربیتی و عبادی و دیگر نظامات مربوط به زندگی بشری در اسلام بر این جنبه تأکید نموده و در راستای تقویت آن تلاش می‌کنند؛ هم‌چنین نظام معرفتی جملگی بر بدیهیات فطری استوار گشته و نظام تشریع نیز در جهت ایجاد تعادل و برقراری عدالت در تحقق نیازهای فطرت، حرکت کرده و در نظام اخلاقی اسلام، به صورت بسیار باشکوهی، تجلی پیدا می‌کند و اینها همه، به تقویت انگیزه‌های فطری همکاری و هم‌یاری در گسترده‌ترین عرصه‌ها می‌انجامد.

به رغم این‌که برای کار نیک، انگیزه ایمانی شرط شده است، متونی وجود دارد که نفس این عمل، یعنی کار نیک، را هرچند با انگیزه‌های ایمانی صورت نگرفته باشد، ستایش می‌نمایند، از جمله آیه: «إِنَّمَا لِنُضِيعِ أَجْرٍ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا؛ ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است، تباه نمی‌کنیم.» (کهف/۳۰) و آیه: «أَنِّي لَأُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى؛ من عمل هیچ صاحب عملی از شما را از مرد یا زن تباه نمی‌کنم.» (آل عمران/۱۹۵). اسلام حتی به جنبه مصلحت آمیز این نوع کارها نیز توجه نموده است: «وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ؛ و آنان که اگر فرزندان ناتوانی از خود برجای بگذارند بر آینده آنان بیم دارند باید از ستم بر یتیمان مردم نیز بترسند.» (نساء/۹).

پیامبر ﷺ نیز می‌فرماید: «کسی که رحم نمی‌کند، رحم نمی‌شود.»<sup>۱</sup> و: «رحم کنید تا مورد رحمت قرار گیرید.»<sup>۲</sup>

### نکته سوم: فراهم آمدن شرایط لازم

هنگامی که به چگونگی برنامه ریزی‌های اسلام برای زندگی توجه کنیم درمی‌یابیم که تمام تلاش اسلام، ارتقای امت در همه جنبه‌هاست تا با شکر نعمت‌های الهی و استفاده از هر آنچه که

۱- بخاری، ابوداود، ترمذی و احمد آن را روایت کرده‌اند.

۲- «احمد» آن را روایت کرده است.

خداوند برای او فراهم آورده است و خودداری از هرگونه سهل‌انگاری و کفران این نعمت‌ها و یا ستم‌کاری در روند توسعه و توزیع عادلانه در همه عرصه‌ها، شایسته عنوان بهترین امت‌ها گردد و از همه توانایی‌ها و امکانات خود در عرصه‌های چالش‌بهره گیرد و دارای قدرت سترگ اقتصادی باشد: «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ؛ و از هرچه از او خواستید به شما عطا کرد و اگر نعمت خدا را شماره کنید نمی‌توانید آن را به شماره درآورید، به طور قطع انسان ستم‌پیشه ناسپاس است.» (ابراهیم/۳۴).

ضمن این که اسلام هرگونه کوتاهی و شانه خالی کردن در برابر پیشرفت امت در همه سطوح راه، اخلال در واجبات کفایی قلمداد کرده که با انجام آن از سوی شمار معینی از مسلمانان، از عهده دیگران ساقط می‌شود و در غیر این صورت، همه امت سزوار نکوهش و سرزنش است.

امت نمونه هرگز نمی‌تواند متصّف به ضعف باشد بلکه باید امتی میانه با تمام مفاهیم بخشندگی به منظور امکان تأثیرگذاری مورد نظر باشد.

از سوی دیگر، آموزه‌های اسلامی و به ویژه تربیت اسلامی، پیش از هر چیز در راستای گسترش اعتماد میان افراد جامعه اسلامی و اجتناب از هرگونه شک و تردید و تهمت و تجسس و غیبت و اتهام و سعایت و خدشه وارد آوردن به این اعتماد، عمل می‌کنند و به این امر فرامی‌خوانند که عمل مسلمانان خوشبینانه حمل بر صحت شود و ارتباط با دیگران، همکاری و ایثار و ایفای حقوق آنان، سرلوحه کارها قرار گیرد.

در سطح بین‌المللی نیز امت اسلامی، در برخورد با دیگران حتی اگر در شمار مؤمنان نباشند، در کمال احترام و رعایت حقوق برخورد می‌کند: «وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًىٰ أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ \* قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرْنَا وَلَا تُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ؛ و در حقیقت یا ما، یا شما بر هدایت یا گمراهی آشکاریم \* بگو شما از آن چه ما مرتکب شده ایم بازخواست نخواهید شد و ما نیز از آن چه شما انجام می‌دهید بازخواست نخواهیم شد.» (سبأ/۲۴ و ۲۵) و امت در صورتی که دیگران تن به صلح دهند، به آن تن خواهد داد: «وَإِنْ جُنَحُوا لِلْسَّلَامِ فَأَجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ؛ و اگر به صلح گراییدند تو نیز به آن بگری و بر خدا توکل نما.» (انفال/۶۱).

ضمن این که مانعی نیز وجود ندارد که با دیگران مادامی که اقدام توطئه آمیزی از سوی آنان دیده نشده است روابط دوستانه و مودت آمیزی برقرار گردد: «لَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ؛ خدا شما را از کسانی که در کار دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کرده و با عدالت برخورد

نمایید.» (ممتحنه/۸). برقراری عدالت و رعایت قسط، هر دو از اهداف این امت و دفاع از مستضعفین و محرومین و از هر آنچه که به اشاعه اعتماد و فراهم آوردن فضای همکاری و حسن نیت در سطح بین‌المللی می‌انجامد، از صفات آن به شمار می‌رود؛ بنابراین چنانچه موافقتنامه‌ای بین‌المللی به امضا رسید، این امت موظف است به مصداق وفای به عهد، به آن پای‌بند باشد.

به علاوه، این امت به کشف عرصه‌های مشترک از طریق گفت‌وگوی آرام حتی با کافران، توصیه شده و از اهل کتاب نیز خواسته شده تا در موارد مشترک [پرستش خدای یگانه]، دست همکاری و یاری به مسلمانان دهند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ؛ بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا، به خدایی نگیرد». (آل عمران/۶۴).

و به این ترتیب مشاهده می‌شود که اسلام، شرایط پیش گفته را به بهترین شکل فراهم نموده است.

### نکته چهارم: فرهنگ سازی

به این ترتیب، می‌توان گفت اسلام، فرهنگ ارزش‌های هم‌سو با تعاون و همکاری را به شکل گسترده‌ای منتشر ساخته و بنیادهای نظری جامعی برای گفت‌وگویی که فرضیات، شیوه‌ها، اخلاق و اهداف مشخص و روشنی دارد، در نظر گرفته و بهترین و عام‌ترین ویژگی را برای مؤمنان در نظر گرفته و آنان را به «وَأْمُرُهُمْ سُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (سوری/۳۸) توصیف کرده است و اصل خدمت به یک‌دیگر را در میان آنان مقرر نموده: «وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا؛ و برخی از آنان را از نظر درجات بالاتر از بعضی دیگر قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی دیگر را در خدمت گیرند.» (زخرف/۳۲) و برای بشریت خط واحدی را ترسیم کرده که از پدر و مادر واحدی سرچشمه گرفته و با هدایت الهی و رهبری پیامبران و صالحان در راستای آبادانی زمین و جانشینی خدا بر روی آن و با تلاش و کوشش سخت به سوی تکامل، گام برمی‌دارد: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ؛ ای انسان، تو به سوی پروردگار خود به سختی در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد.» (انشقاق/۶) و در جهت رسیدن به جامعه پرهیزگار و عابد، حرکت می‌کند: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَيْسَتُخْلِفَنَّهٗمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و



کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین خود قرار دهد، همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند تا مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.» (نور/۵۵).

این راه، مسیر یگانه‌ای است که همگان وحدت آن را احساس می‌کنند و هر یک می‌کوشد تا آن را با تمامی عناصر پیشرفت و تکامل، حمایت نماید. مفهوم برادری دینی و برادری انسانی نیز از همین جا، مایه گرفته است. حضرت علی علیه السلام در پیمان نامه‌ای که به «مالک اشتر»، کارگزار خود در مصر، می‌نویسد و برجسته‌ترین سند تاریخی به شمار می‌رود، می‌فرماید: «پیوسته قلبت را از مهر رعیت آکنده و با لطف و محبت به آنان مالمال کن. زنهار! نسبت به مردم هم‌چون جانوران درنده‌ای که برای خوردنشان دنبال فرصت می‌گردند، مباش، چه آنان بر دو دسته‌اند: یا برادر دینی‌ات به شمار می‌روند و یا این‌که در آفرینش هم‌نوع تو هستند.» (نهج البلاغه، نامه شماره ۵۳).

در این جا بار دیگر باید خاطر نشان ساخت که اسلام بر مسئله فطرت و ضرورت تجلی بخشیدن به آن در رفتارهای انسانی، تأکید می‌کند.

### نکته پنجم: برطرف ساختن موانع

نیازی به توضیح بیشتر درباره نقش اسلام در روند دور ساختن انسان‌ها از ماده‌گرایی رفتاری در پی برنامه‌ریزی برای دورسازی آنان از ماده‌گرایی عقیدتی، و نیز دورسازی آنان از دیدگاه‌های تنگ و آزمندانه و حرص و آز و نفرت و از آن جا دورسازی آنان از هر آن‌چه که مانعی در راه همکاری و هم‌بستگی به شمار می‌رود، نمی‌بینیم. جهان‌شمولی اسلام درست نقطه مقابل جهانی شدن است و در عین حال هیچ یک از جنبه‌های منفی آن را در بر ندارد و سعی می‌کند شور و شوق بشریت برای دستیابی به جهان نو و سرشار از عدالت و داد را در سایه همکاری و هم‌بازی‌های سازنده، به گونه متعادلی سیراب سازد.

### نکته ششم: دانش روابط بین‌المللی

دانش روابط بین‌المللی بر عناصر بسیاری انگشت گذاشته که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:  
الف) اصول‌گرایی و پای بندی به اخلاق در برخوردها؛  
ب) عنصر آگاه سازی و شفافیت و صراحت در پیمان‌های بین‌المللی و نفی هر گونه ابهام، فریب و ستم کاری و ستم‌دیدگی؛

ج) الفت بین دل‌ها و تحقق هم‌آوایی و هم‌دلی؛

د) احترام به پیمان‌ها و قراردادهای؛

ه) معامله به مثل مثبت یا منفی با ترجیح جنبه‌های بخشش و بزرگواری و تسامح، که همگی در راستای کمک به تحقق همکاری‌ها و هم‌یاری‌های بین‌المللی و به طریق اولی منطقه‌ای به دلیل مفهوم گسترش پاینده همسایگی و هم‌جواری کشورها، قرار دارد. و سرانجام این‌که:

امت اسلام باید الگویی برای همکاری و هم‌یاری باشد مشروط بر آن‌که هشبار بوده و زیانی متوجه خود نگرداند. وقتی خداوند متعال این امت را به قرار گرفتن در کنار حق و خیر فرامی‌خواند به طور قطع در صورت توطئه دشمنان یا خیانت آنان، کمک نمودن به او را تضمین می‌کند.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْتَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ \* وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ بِبَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ \* وَاللَّفَّ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ و اگر به صلح گراییدند تو نیز به آن گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست \* و اگر بخواهند تو را بفریبند یاری خدا برای تو بس است. همو بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند گردانید \* و میان دل‌هایشان الفت برقرار کرد که اگر آن‌چه در روی زمین است همه را خرج می‌کردی نمی توانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی ولی خدا بود که میان آنان الفت انداخت؛ زیرا او توانای حکیم است.» (انفال/۶۱-۶۳).

